

درین جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود

(مطبعه و اداره خانه)
(ده افغانان کابل)

(قیمت سالیانه)
از وزرا و اعیان دولت بقدر معارف دوستی شان

برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی و معاونین و وقایع نیکاران (فخری) رایگان

از عموم خریداران در داخله (۱۲) روپیه کابلی در خارجه

نیم بوند انگلیسی با حصول پوسته از طلاب و محصلین نصف قیمت ششماه

داخله خارجه (۸) روپیه (۷) شلنگ

امان افغان

مر ۱۳۳۷ ع

از ابنای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش جریده برایش فرستاده میشود

سر دیر
سید محمد قاسم
همه امور تحریریه بنام اداره فرستاده شود
اداره در انتشار و اصلاح مقالات وارده مختار است
در هر هفته یکبار نشر میشود
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود

قیمت يك شماره يك عباسی

تاریخ شمسی (۲۳) نور ۱۳۰۴ هجری

(۴ شنبه)

تاریخ قمری (۱۹) شوال (۱۳۴۳) هجری

در اطراف رجم قادیانیها

در نمره گذشته در موضوع اضرار سیاسی قادیانیها نسبت به عالم اسلام بحث نمودیم که مرام اصلی موجد و پیروان بزرگ این عقاید مزخرف تحزیب دین و اضمحلال مسلمین است و بس اگرچه جرایم قادیانیها به جسم کلیه جامعه اسلامی ضرر دارد ولی ضررهای آن به افغانستان از همه بیشتر است. میخواهیم در این نمره از موضوع مزبور بحث کنیم:

(قادیانی و اضرار آن به افغانستان)

افغانستان کنونی دو موقعیت مخصوصی دارد اول از حیث دیانت دوم از حیث سیاست.

الحمد لله افغانستان در عالم اسلام یگانه دولتی است که احکام شرع بکلی در آن رعایت می شود و قوانین آن موافق است با شریعت. جریان احکام دین مراقبت می شود کسانیکه در اجرای امور دین سستی و یا سرکشی می کنند مجازات می شوند. جمهور مردم با احساسات دیانت و اعمال حسنه در کمال آسایش زیست داشته کسی نمیتواند به کسی از حیث دین تعرض نماید و یا در دین تدلیسی بکار برد. محیط محیط دیانت، عالم عالم اسلامیت است. موقع سیاسی افغانستان از قدیم الی الآن برای جمهور مردم معلوم است مخصوصاً برای برادران هندی ما که این موقعیت را بیشتر حس کرده اند. باز در سابق ممکن بود بیک رنگی حفظ حیات بتواند و از تلاطم امواج خود را برکنار نگه دارد ولی موقف کنونی بکلی طور دیگر است بجز سیاست از هر طرف در تلاطم و محیط خطر ناک است. بازوهای بسیار توانا میخواهد که کشتی حیات و بقاء خود را در همهجه تلاطم

و محیط نگهداری کند. پس اگر با این چنین موقف نازک یک باد مخالف خصمانه دیگر در لباس دین هم در جریان باشد وضعیت چگونه خواهد بود؟

وقتی که این دو موقعیت بسیار مهم دینی و سیاسی افغانستان زیر نظر گرفته و اضرار دینی قادیانیها در تحزیب و افساد عقاید مردم و تولید شک و ریب در قلوب آنان نسبت به سلف صالحین و جمهور مسلمین موجوده عالم و مفاسد سیاسی آنان که خدمت می کنند برای اجانب در برده دین، و احساسات حفظ وطن و نگهداری بیضه اسلام را از قلوب مسلمین محومی سازند، بخاطر حاضر آورده شود، هر کس بالضروره حکم می کند که باید فردی ازین فرقه اسلام کش و خد متگاران صادق استعمار یون و سرمایه پرستان برای یک روز هم در یک مملکتی همچو افغانستان گذارده نشوند.

قادیانیها علاوه از آن که عقیده صحیحه مردم را فاسد میکنند و مردم را بر علیه معتقدین عقیده خود بشورش می آرند در این اواخر به یک چنان حرکات و تظاهرات اقدام نمودند که فتنه بزرگی را مسبب گردیدند یعنی عده از آنها در (خوست) و نواحی آن پیش مردم چنان اظهارات نمودند که حکومت و مامورین آن طرفدار وهم عقیده ماست. و کسی به ما تعرض نمیتواند. و اینک در ظرف مدت قلیلی همه مردم را هم عقیده خود میسازیم، همین اظهارات کذب و بی حقیقت قادیانیها بود که در اذهان عموم مردم سمت جنوبی تولید یک فکرسوه نموده همه مامورین حکومت را قادیانی و کافر میدانستند و به لهجه خود سیاهی ها و طرفداران حکومت را (کیدانی) گفته خطاب می نمودند.

نعمت الله و دیگر رفقایش در سیاست خارجی هم دخل زنگی داشتند . پیش مردم اجنبی می رفتند . محرمانه صحبت می کردند و خطوط می فرستادند . متأسفانه تراکت سیاسی اجازه نمیدهد که اعمال این بدبختان را کاملاً شرح بدهیم . ولی ارباب درایت بایستی همین يك نکته و اشاره باهماق مطلب برسند و قهرس نمایند که اعمال این قادیانیها چه خواهد بود .

بعد از اعدام ملا نعمت الله ، خلیفه قادیان به پیشگاه تمام مخالفین اسلام و کسانیکه به اسلام علاقه مندی ندارند و اشخاصیکه در صدد تباهی و نابودی افغانستان بوده شب و روز ازین فکر فارغ نیستند التجا برده شکایتهای غیر مشروع و معقول نمودند و همتهای گوناگون بر افغانستان بستند . چون که مدعی تنها نجانه قاضی رفته بود چیزیکه یاد داشت و بخاطرش میگذاشت از کذب و بهتان و تدلیس معایبه نکرد و پروا نگذارد مسموم خود را بر علیه این دولت و جامعه اسلامی هر طرف جاری داشت . اگر چه این همه مساعی میرزا بشیر ضائع رفت و سودی نکرد اما در صرف مجهودات از طرف او قصوری زفت و باچنان جد و جهد و هنگامه و عیاهو بر علیه افغانستان اقدامات نمود که از دشمنان بزرگ افغانستان باین اندازه نشنات و جدیت بعمل نیامده است . جدیت و اهتمام میرزا بشیرالدین و بیعه او در خصوص برهم زدن افغانستان از خلاصه قسمت اخیر يك خطبه او که در موضوع سنگساری و احتجاج بران نوشته و در ذیل درج است اندازه میتوان نمود . میرزا بشیرالدین پسر و خلیفه میرزا غلام احمد قادیانی می گوید :

« ما (قادیانیها) از خود يك حکومت و قوت نداریم که بتوانیم بواسطه آن مستقیماً از برادران مظلوم خویش یاری کنیم چون که يك حکومت ظالم را يك حکومت دیگر از ظلم جلو گیری و برآه راست آورده می تواند ، و این امر از قدرت و اختیار ما بیرون است که افغانستان را از مظالم او جلو گیری نتوانیم . راه ممکن برای ما این است که در این خصوص از کسانی مدد بخواهیم که این قدرت را دارند . و از همه دولت استعانت نماییم که افغانستان نمیخواهد آنها را از خود آزرده بسازد . یا قدرت آزرده آنها ندارد .

حکومت های مختلف دنیا را به این حرکت و حیثیه و غیر شریفانه افغانستان متوجه گردانیدیم و آنها هم توجه دارند . بعضی حکومتها مارا متیقن ساخته اند که اوشان در این خصوص توجه نامه دارند . چنانچه بعضی آنها قیباً در این باره به اقدامات هم شروع نموده اند و توجه این دولت حتماً بر حکومت کابل آری می اندازد .

تقاضا و خواهش ما از جمع اتفاق ملل در این خصوص مفید ثابت شده باین آن که در موقعیکه مکتوب ما روی میز جمع افتاده

بود علاوه از نماینده های انگلیس نماینده های دول دیگر هم آن را مطالعه نموده اند و برای عملیات قدم برداشته اند . ولی اینقدر هست که این امر کار یکروز نیست که نتایج آن فوراً ظهور کند ؛ بناه علیه ما همین قدر اکتفا نکرده هیئتی از طرف ما با اشخاص مسئول آن دول ملاقات کردند و آنها به ما وعده دادند که در برابر این حرکات کابل خاموش نمی مایم . مگر چون که حکومتها نمیخواهند معاملات سیاسی را آشکارا کنند در موقعیکه اوشان بنا وعده معاونت دادند از ما هم وعده گرفتند که وعده آنها را افشان نکنیم زیرا در این روزها برای خود آن دولتها هم بسیار مجبوریتها و مشکلات سیاسی در پیش است . چون که افغانستان میان روس و انگلیس واقع است حکومت انگلیس هم علناً اسطوره تدابیر اختیار نمی تواند که میان او و حکومت کابل کشیده گئی تولید کند چون که انگلیسها خوف دارند اگر چنین کردند افغانستان با روس متحد خواهد شد .

هنگذا فرانسه و ایتالی هم همین اندیشه دارند . اگر طرف شدن انگلیسها با افغانستان مسئله شمشیر و تفنگ می بود انگلیسها هیچ اندیشه نمی کردند لاکن مشکلی که در جلو انگلیسها است این است که جنگ مزبور جنگ شمشیر و بارود نیست بلکه جنگ افکار است . اگر افغانستان با روس متحد شود افکار بولشویکی به هندوستان سرایت می کند . ازین باعث انگلیس با افغانستان آرزو مند صلح و مسالمت است .

با افکار و عقایدیکه در افغانستان از سبب آن بر این برادران مظلوم ، مصائب وارد می شوند مقابله باید نمود یعنی از ان افکار جلو گیری باید کرد که بیشتر نشود و کوشش باید نمود که در افغانستان عده قادیانیها بحدی برسد که کشتن آنان حکم تباہ کردن کل مملکت را پیدا کنند . لازم است که عده احمدیها در افغانستان آن قدر بسیار شود که اگر در جنبی بر اوشان ظلم شود دیگران از آنها طرفداری بتوانند و ظالم ها از ترس جنگ باهمی میان خود ایشان نتوانند بر قادیانیها ظلم کنند برای این مطلب هم تدابیر سنجیده شده است .

این عداوت و سوءنیت قد قادیانیها به نسبت افغانستان محتاج به تنقید و ایضاح نیست . اشکارست قادیانیها در پروا گند و تبه و سائل بر علیه افغانستان هیچ صرفه نکردند و به دروازه هر حکومت چین نیازسودند تا شاید کسی بر علیه افغانستان اقدام کند و انتقام قادیانیها را بکشد و این تصمیم عقیده شان شده است . لهذا افغانستان از اعدام قادیانیها یا اینچنین دشمنان دینی و سیاسی خویش هیچ صورت نمی تواند صرف نظر نماید . و نه آنها را در مملکت خویش گذارده می تواند . (ناتمام)

حادثة شغنان

و ختم آن

دو هفته پیشتر افواها شنیدیم که بطرف ترکستان بیدخشان کدام حادثه حدوث نموده است اما معلوم نشد که حادثه از چه قبیل است روز دیگر استقدر مسموع گردید که بطرف بدخشان کدام قوم عصیان نموده است باآخر از روی روایات لسانی ظاهر گردید که مردم شغنان تبعه دولت علیه افغانیه به عصیان اقدام نموده اند . چون که اکثر افواها حتی بعضی تحریرات هم بی اساس مطلق یا « يك زاغ و صد زاغ » می باشد نتوانستیم در این موقع نسبت به آن چیزی بنویسیم . ولی در صدد تحقیق بر آمدیم و از منابع موثوقه اطلاعات ذیل را حاصل کردیم . در اوائل امسال مردم شغنان باعلاقه دار آنجا در باب تادیبه زکات مواشی شان مناقشه نموده و به تحریک بعضی مفسدین از تادیبه زکات سرپیچی نمودند . و چون حکمران محلی در صدد گرفتن زکات برآمده و متوسل به استعمال قوت گردیده است مردم از حکم او به کلی سرپیچی نموده به اجتماع اقدام کرده اند و بر علیه مامورین و نظامیهای آنجا يك نوع تظاهر داده اند . درین موقع که اواخر برج حمل بوده است از طرف مامورین تحت به مامورین فوق و هکذا به سلسله مراتب اطلاع حادثه به (و . ج) جناب محمد سلیمان خان نائب الحکومت ولایت قلعن و بدخشان رسیده است . جناب نائب الحکومه صاحب که خدمت گار صداقت کار دولت و یک آدم فعال است فوراً يك هیئت از چند نفر رجال کار دان و صاحب قدرت بادستورات مکمل به شغنان فرستاده است که عات حدوث حادثه را تحقیق و در ازاله آن از هر حیث باشد کوشش نمایند و نیز به قشون بدخشان امر داده اند که برای حرکت خود را حاضر کنند همان بود که هیئت مزبور به شغنان رفت درین موقع اجتماعات مردم بدور دوائر حکومتی پس از چند فیر نظامیهای محلی که مردم برای گرفتن اسلحه شان بر آنها هجوم آورده بودند ، متفرق شده بد و مفسدینیکه باعث و محرک این فتنه بودند فرار کرده بودند . بالجمله هیئت تحقیقاتی به عملیات لازمه اقدام نموده فراریها پس آمدند و مناقشه مردم رفع و همه گئی ابراز اطاعت کردند و امن و آرامی کلی بهر طرف حکمفر ما گردید و مسئله بدون يك زحمت و دادن تلفات خاتمه یافت

حسن تدبیر و جدیت جناب نائب الحکومه صاحب درین مورد قابل تقدیر و تشکر است .

واردات اداری

آقای سردیر

درینروزها مکتوبی بواسطه پوسته گرفتیم که نقل آن عیناً ملفوف است . برای شما ارسال کردم همراه جواب اگر جریده شما گنجایش داشته باشد ، درج خواهید فرمود :

ای وزیر تجارت بی خبر ! در پشاور میرفتم بد که يك فقره گمرک دکه برابم آشکار شد ، این حرف دروغ نیست و باز هم اگر شما باز خواست اینفقره را نکنید بدیگر وزارت ها هم خبر خواهد دادم و بریاست خبر داده شد ، اول اینکه سردار عبدالرحیم خان مامور گمرک دکه فی صد یکروپیه کابلی از درک (واپسی) از ملاز مان کیشتم والا گرفته کار آن را بالای شخص اجنبی میکند که بماموریت گمرک مذکور مداخلت ندارد ، ویکلم ما مورین هویدا شده چنانچه ازین فقره سند کافی هم از ملازمان واپسی حاصل داشت ، روانه نمودم بغور ملاحظه شود ، که علم شما کامل بنفط و ناغلط برسد و چهار نفر آدمهای بسیار دست باز و مشهور که آنها را احمد علیخان حاکم از گمرک دکه موقوف نموده بود ، که یکی داده هر ویکی سنگی و یکی شکور و یکی نور خانی را نگاه کرده بواسطه اسامیان مدعای نفسی خود را میکند . هیچ هم بکار علم خود را نیآورده خلق خدا را لت و کوب میکند مردم از کرایه کشی و تجارت بعباد آمده اند فقط تخریر ۱۵ حمل ۱۳۰۴ محمد اکبر

جواب

جناب ، اولاً من نهایت متشکریم که شما مرا به باخبر ساختن کوشش کردید ، اگر چه لهجه آن قدری سخت بود ولی من بسیار خوش شدم که هیچ لفظ خلاف تهذیب و خلاف انسانیت در آن نبود .

سندی که شما فرستاده اید هیچ امضائی ندارد ، ولذا من آنرا یعنی حقیقی سند گفته نمیتوانم . با اینهم از تعقیب معقول مسئله فارغ نیستم .

من به دوائر دیگر هم متعلق این مسئله مراجعت میکنم ؛ عبدالهادی وزیر تجارت

(معارف پروری های اعلیحضرت)

از سوختن مکتب صنایع قیسه عموم خبر دارند . اگر چه لوازم و ضروریات مکتب را وزارت معارف مجدداً تهیه نموده است و مکتب دهمین چند روز باز دار می شود . لاکن محصلین مکتب محض رهبری و تشویق مردم به شرکت در اعانه و تأسیس امور نافع و خیریه به جمع اعانه اقدام نموده اند . هر کس بقدر مقدور و معارف دوستی خویش مبلغی داده است ، اعلیحضرت معظم غازی که معارف دوستی و علم پروری شان از حد بیان افزون است مبلغ (۱۵) هزار روپیه اعانه داده اند .

کار روانیهای وزیر صاحب داخله
(هنگام ریاست شان هیئت تنظیمه غزنی)

قبل خود شان

بعد از مقدمه جتو از قرار یکم معلومات حاصل نمودم کدر قلات
جیا خانه و تنگ و کار طوس می باشد برای حاکم قلات و نائب
الحکومه قدهار خبر دادم که تنگ و جیاخانه قلات را بغزنی
رواندارند و هر قدر قومی که از قلات می آیند نیز تنگ و کار طوس
برای شان داده مسلح روانه کنید همان بود که حاکم موصوف
برابر مکتوب ما بغزنی قلات را تنگ و کار طوس داده و باقی
جیاخانه را بغزنی روانه کردند و برای فوجی قومی داده شد
در ابتداء ماه میزان (ع ع) دوست محمد خان حاکم ارزگان و
(ص) محمد عثمان خان پسر مذکور بعت دو کندک و یک تولی
پیاده و سوار قومی ارزگان و خوانین زاده های شان بعه تنگ
و جیاخانه و خزانه و خیمه بقلات آمده و کبود اسلحه و بران
خود را از جیاخانه قلات تکمیل کرده مسلح به ترتیبات حربی
و اصول منتظم به تاریخ (۵) میزان وارد غزنی گردیدند . قبل
از رسیدن شان اطلاع حاکم جاغوری و قائم مقام ارزگان برای
فدا کار دولت رسید که مردم (خوازک) و (اندر) با مردم هزاره
و قوم مهاجر (اچکزانی) منازعه نموده از طرفین چند نفر مقتول
و مجروح گردیده اموال یک دیگر را بسرقت برده اند چون حاکم
کلان ارزگان بغزنی ورود نمودند از واقعه مذکور برای او
دانسته کرده تصویب فدوی دولت چنین دیده شد که در حال قوه
فوجی ها زیاد است چند نفر جزوی را از هر قوم برای خدمت
سمت جنوبی در غزنی بگذارید تا از خدمت قومی محروم نشوند
باقی فزری بعه حاکم و افسر بود و دفع نزاع مردم هزاره و مهاجرین
اچکزانی و خوازک و اندری را که همه رعیت دولت ماست از روی
حقانیت بنامد تا مبدا خدا نخواسته قتل و جرح در بین شان
زیاد شود بنابراین یک تولی شان در جمله مغزیه غزنی بعت
(س ش) محمد عمر خان لوامشر به سمت جنوبی فرستاده شد
دو کندک باقی سوار و پیاده با حاکم موصوف از راه هزاره و افس
به ارزگان رفتند و دفع نزاع مذکور را بزودی و درستی نمودند
که قته جانبین فرو نشاند و بحیرت و امنیت انجامید
(انعام)

بیانیه وزیر مالیات ترکیه

نسبت به ثروت آن
از روز نامه (حاکمیت ملیه انقره)

(۱)

چندی قبل در روز نامه ها دیده بودیم که شخصی میگوید:
قوس ترکیه به هشت ملیون رسیده است ، دست و بازو برای
کار کردن ندارند ، بعد از این اخراجات کرده نه می توانند
و خلقی که رفته است جای اوهارا گرفته نمیتوانند و مالیات ترکیه بعد
از این مستحصل نمیشوند بالاخره از زوال شدن ترکیه بحث میراند
افندیها : من نیز همه ایستائستیکها ، را بنابر از قامیکه
گفته می شود تماماً خواهم گفت و عرض میکنم که این سخنها
بدون تحقیق و بنا بر مقصد مخصوص نشر کرده شده است .
این جای ولایت قدیم (ایدین) یعنی (از میر ، صاروخان ،
دزلی ، منشا و ولایت ایدین) بوده یک قطعه مرکب از پنج
ولایت است . ادعا میکنند زمانیکه در تحت اشغال بود و در آنجا
دیگر عناصر مختلفه موجود بود اخراجات و استحصالات زیاد
تر بود . بنده نیز به هیئت جلیله شما تنها از محصولات سالهای
۲۳۶ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۳۹ و ۲۴۰ از اخیر انگور ، پلاموط ، پنبه
و توتون بحث کرده دیگران را میگذاریم هیئت جلیله زیاد شدن
امروزه بنده (اطنه) و چهار سال قبل آن را به خوبی میدانند . در
آنجا چونکه اعشار بوزن گرفته می شود نسبت به مقدار ان معلومات
خواهم داد . در سال (۲۳۶) حاصلات عمومیه انجیر ۱۷۵۹۲۴۴۸
قیه بود (۵ قیه تقریباً یک سیر کابل میشود) در سال (۲۳۷)
۱۶۷۸۹۱۸۴ قیه بود در سال (۲۳۸) که نصف آن از یونانیها
و نصف دیگرش از ما میشد (۱۰۴۹۲۳۵۲) قیه بود . در سال
۲۳۹ این مقدار از ۲۳۷-۲۳۶ سه ملیون زیاد شده و ۲۰۰۵۴۴۸۰
قیه رسیده است و در سال (۲۴۰) ۲۳۸۱۰۶۱۶ قیه بالغ شده است
مالیات اعشاری که گرفته شده به این نسبت است : در سال
اول یعنی ۲۳۶ (۳۱۹۹۰۵۶) قیه در سال ۲۳۷ (۲۰۹۸۶۴۸)
قیه در سال (۲۳۸) ۱۴۱۱۶۰۹ قیه در سال ۲۳۹ (۲۷۵۶۸۱۰)
قیه در سال ۲۴۰ (۲۹۷۶۲۲۷) قیه اخیر اعشار گرفتیم .
و قیمت این هم (۶۲۶۱۲۳) لیره تر کی میشود (یک لیره
تقریباً سه روپیه کالی میشود)
در سال ۲۳۹ از سستی قیمت (۲۸۳۶۱۰) لیره بود . در سال
۲۳۶ وقت یونانیها که نرخ خیلی بلند بود (۳۶۶۹۳۲) لیره بود
در سال ۲۳۹ که نرخ زیاد بلند تر بود اخیر هم زیاد گرفته شد .
حاصلات انگور : در سال ۲۳۶ مقدار حاصلات عمومیه انگور

محصولات پنبه : در سال ۳۳۱ که نسبت به سالهای دیگر
زیادتر محصولات گرفته شده است یعنی (۱۹۰۰۶) لیره بود . در
سال ۳۴۰ اعشار و حاصلات که تا حال گرفته شده است بقرار
ذیل است : در پنج ولایت غوزه (۱۰۱۸۴۴۸۸) قیه است از این
(۱۲۷۲۰۶۱) قیه اعشار گرفته شده است .

حاصلات چکدلی (۸۶۸۹۷۶) قیه است از این (۱۰۸۶۲۲) قیه
اعشار گرفته شد حاصلات پنبه فرنکی (۲۰۴۰۰۰) قیه است
از این (۲۸۰۰۰) قیه اعشار گرفته شد حاصلات پنبه منجلیج
(۱۲۴۷۶۰) قیه است از این (۱۵۵۹۵۰) قیه اعشار گرفته شد
مقدار این اعشار ، به اعتبار از پنج قیه غوزه یک قیه پنبه گرفته
می شود امسال در از میر و ماحضات آن یعنی در پنج ولایت
ده مثل زیاد از سال فراوانی بیشتر حاصلات گرفته شده است
(ناتمام)

بیکارے در انگلستان

روزنامه تایمز در خصوص کارگران بیکار انگلستان چنین
مینگارد :-

احصایه ای که اخیراً منتشر گردیده حالت کارگران را مفصلاً
نشان میدهد یعنی نشان میدهد که اوضاع بیکاران در سال ۱۹۲۴
بهرتر از سابق نشده و علی رغم اینکه امسال از بعضی جهات سال
فراخی نعمت بود حال کارگران بدون تغییر باقی مانده و عده
بیکاران از ده یک مجموع کار دارها تجاوز کرده است و
کسانی که زمامدار وزارت بیکاران بودند ذمه ای از
وجود شان در طول این مدت نتیجه ای حاصل نگردید . البته
یک وزار تخانه تازه کار و جدید التاسیس نمیتواند در مدت ده
ماه عمر خود مسئله مشکل بیکاری را حل نماید

امروز وزارت بیکاران همان روش را که سابقین خود پیش
گرفته بودند دنبال میکنند یعنی کوشش مینماید که بواسطه ایجاد
کار از عده بیکاران بکاهد .

صحیح است که مساعی آن وزارتخانه بکلی بی نتیجه نبوده
ولی نتیجه ای که گرفته شده بسیار محدود بوده است . وسیله
ترغیب به مهاجرت البته مستلزم مخارج گران است و باید اعتراف
کرد که از مهاجرت فقط افراد استفاده میکنند و فایده آن
متوجه دولت نخواهد شد باوجود این ممکن نیست این کار هم
علاج قاطعی برای جلوگیری از بیکاران بشود .

شرکتهایی که برای تخفیف مصائب بیکاران واعانت آنها
تشکیل یافته با نسبت بفلاکت و تیره روزی انبوه بیکاران
چیزی مهی نیست و از طرف دیگر هم شرط عقل نیست که
علاج قطعی این امر را انتظار داشت . زیرا این مسئله برای
علم صنعت انگلیس از دو جهت حاز اهمیت است . این مسئله
نرخ احتیاجات روزانه را بدرجه ای تنزل خواهد داد که حتی
کسانی که در موقع جنگ از گرسنگی مردند و نتوانند احتیاجات تهیه کنند

حبارت از (۱۱۲۳۱۲۴۸) قیه است در سال ۳۳۷ (۱۸۲۷۲۵۱۲)
قیه و در سال ۳۳۸ (۱۸۹۵۸۸۸۸) قیه است افندیها در سال ۳۳۹
سه مثل سال ۳۳۶ را تجاوز میکند . (صدای های تحسین)
در سال ۳۴۰ به (۳۷۶۰۰۰۰۰) قیه بالغ می شود . مالیات
اعشاری هم به این قرار است در سال ۳۴۰ از اعشار انگور
تا حال مقابل (۴۷۰۰۰۰۰) قیه انگور (۱۶۵۸۱۲۱) لیره گرفته
شد در سال ۳۳۶ در زمان یونانیها (۶۴۴۹۷۴) لیره بود و از
زمانی که این را عرض میکنم احتمال می رود که از بعضی قضاها
(حکومتی کلان) نقص کرده شده است . بنابراین به هیئت
جلیله شما از ایستائستیکهای قضاها سه قضا را بطریق مثال
عرض خواهم کرد . این هم حکومتی های کلان نیف (کال پاشا)
مغنیسا ، از میر است . در سال ۳۳۶ در مغنیسا حاصلات انگور
(۳۴۶۲۸۴۸) قیه در سال ۳۳۷ (۵۵۸۷۷۰۴) قیه است . در
سال ۳۳۸ (۳۶۵۶۷۶۸) قیه است در سال ۳۳۹ که سال ما است
(۱۰۶۷۸۳۲۸) قیه است حکومتی کلان کال پاشا (نیف) یک
منطقه است که در این اراضی حاصلات انگور نسبت دیگر جاها
خیلی زیاد است در سال ۳۳۶ (۲۵۰۹۹۱۲) قیه در سال ۳۳۷
(۳۵۳۸۶۴۸) قیه در سال ۳۳۸ (۳۴۸۰۶۰۸) قیه و در سال ۳۳۹
دفعه تصاعف کرد و (۶۲۳۰۲۰۸) قیه می رسد . در سال ۳۴۰
(۸۰۴۹۹۲۸) قیه میشود در حکومتی کلان نفس از میر در سال
۳۳۶ (۱۲۹۵۷۳۶) قیه و در سال ۳۳۷ (۲۲۲۸۸۸۰) و در سال
۳۳۸ (۲۹۸۴۸۱۶) قیه و در سال ۳۳۹ (۳۶۷۳۹۲۰) و در سال
۳۴۰ (۴۴۸۰۰۴۰) قیه می شود .

افندیها ! می خواهند که به پروا بندهای غلط خود در این
منطقه برای حکومت ما ضربه رسانند حالانکه این صحیح و ثابت
و قومها که در فوق ذکر شده است افسات می کنند که قوه استحصالیه
ملت ترکیه بیشتر از قدیم زیاد شده است و دست و بازوی اهالی
ما نسبت به قدیم قوت پیدا کرده است (صدای های تحسین)
از این خوبتر یک مثال هم در باب (توتون) عرض خواهم کرد
امروز دران منطقه زراعت تنباکو از اعتبار شروع شدن زرع
و بسکه از همان او قاتی که حاصلات توتون خیلی زیاد تر بود
۹ ملیون زیاد و بلند شده است در سال ۳۳۶ (۱۳۵۰۰۰۰۰)
و در سال ۳۳۷ (۸۰۰۰۰۰۰) و در سال ۳۳۸ (۵۷۵۰۰۰۰)
و در سال ۳۳۹ نسبت به سال ۳۳۸ زیاد شده و به (۷۲۵۰۰۰۰)
قیه رسیده است و در سال ۳۴۰ دفعه زیاد شده به (۲۳۰۰۰۰۰۰)
قیه بالغ شده . این ایستائستیکها به تلگرام آخرین شرکت
رزی مستند است .

باز درین منطقه اعشار پلاموط (بزغنج) را عرض میکنم .
در سال ۳۳۶ (۳۳۸۳۰) لیره در سال ۳۳۷ (۲۸۵۲۸)
لیره در سال ۳۳۸ (۴۱۲۴۷) لیره و در سال ۳۳۹ (۳۲۳۹۰)
لیره و در سال ۳۴۰ اعشار بزغنج (۱۲۳۰۰۰) لیره رسیده است .

این مسئله علم صنعت انگلستان را بخطر بزرگی تهدید میکند و آرزو در برنگاه انحطاط میندازد زیرا وقتیکه جنس پیش از حد لزوم آرزان شد یعنی بضرر فروخته شد سرمایه قمع نخواهد داشت وبالطبع باید مزد کارگران نیز تقلیل پیدا کند

حوادث خارجی

(روسیه)

۳۰ مه - موسیو چیچرین به رئیس دارالانشاء مجمع اتفاق ملل اطلاع داده است که حکومت سویت نمیخواهد در کنفرانس (۱۳) تور مجمع در خصوص تخفیف اسلحه شرکت نماید. چون که از شرکت حکومت سویت در این کنفرانس برای مجمع يك راه مداخله در معاملات داخل حکومت سویت پیدا خواهد شد. نامه نگار (تیس) از ریکا می نویسد که يك عدم کاغذ بدست آمده و از آن معلوم می شود که حکومت سویت طرد در اوائل تور در ولایت بالقان شورش ایجاد کند. از بعض خطوط دیگر آیت می شود که حکومت سویت در صدد هجوم بر حکومت های کنار بالک بوده تهیه میزند.

کنگره اتحاد جماهیر شوروی که تاریخ انعقاد آن (۱۷) تور بود در مسائل ذیل بحث کردن دارد: داخل شدن حکومت های ترکان و اوزبک به اتحاد جماهیر شوروی. راپورت حکومت در خصوص حالت صنایع روسیه و تحکیم زراعت. راپورت کومیسر مالیه در خصوص بودجه بلسکتی. راپورت کومیسر جنگ راجع به اردوی سرخ انتخاب کینه مرکزیه اجراییه اتحاد جماهیر و تشکیل شورای اتحاد جماهیر.

قرار معلومات روزنامه (پراودا) ی روسی، انتشار فرقه کونست در دنیا قرار ذیل است:

- لمان ۲۱۰۰۰۰۰ - فرانسه ۸۰۰۰۰۰ -
- انگلستان ۵۰۰۰۰ - ایتالیا ۳۰۰۰۰ - آازونی ۳۰۰۰۰

(ایران)

میان دولت ایران و لهستان يك معاهده تجاوتی عقد و امضا شده است. امید میرود که هر دو حکومت ازین معاهده نفع حاصل کنند. شیخ خزعل که بر علیه دولت ایران در خوزستان به عصیان قیام نموده بود از طرف حکومت بادیسرش دستگیر و به طهران فرستاده شدند.

(ترکیه)

۳۰ مه - (۲۳) قمر از رؤساء بغاوت کردستان در دیار بکر اعدام شدند. حکومت وکلای ترکیه در صدد اند که قوه هوایی و فن هوا بازی را در ترکیه وسعت و ترویج دهند. وکلا

متعهد گشته اند که هر کدام يك طیاره از طرف خود خریدند به دسته طیارات حکومت بدهند.

(بورنگال)

۲۷ مه - از (لزین) پایتخت بورنگال خبر میدهند که قشون مرکزی عصیان نمود و قشون شهری هم با آنها متفق گردیدند.

(متنوعه)

زبانهای دنیا

میگویند در تمام دنیا (۳۴۲۴) زبان مختلف است. از انجمله (۱۶۲۲) زبان در امریکا و (۹۳۷) در آسیا و (۵۸۷) در اروپا و (۲۷۶) در افریقا است. عدد کسانی که انگلیسی سخن میزنند بالغ به (۱۵۰۰۰۰۰۰) نفر است و متکلمین به المانی (۱۲۰۰۰۰۰۰) نفر و متکلمین به روسی (۹۰۰۰۰۰۰۰) و متکلمین به فرانسوی (۶۰۰۰۰۰۰۰) و به یونانی (۵۰۰۰۰۰۰۰) و به ایتالی (۴۰۰۰۰۰۰۰) و به ترکیالی (۳۰۰۰۰۰۰۰)

تقدیر کل کلمات الهه فوق الذکر خیلی صعب است قاموس بزرگ انگلیسی که معروف است به « بالیوستاندر دکتشتری » (۵۰۰۰۰۰) کلمه دارد و چون عدد آن کلمات انگلیسی که استعمال آن غیر مالوف است بر عدد فوق افزوده شود مجموع آن (۷۰۰۰۰۰۰) کلمه می شود. تمام این کلمات در قاموس انگلیسی که دار الفنون (اوکسفورد) به تازگی طبع نموده است درج است.

قاموس بزرگ المان که اسماء اعلام هم در آن داخل است متضمن (۳۰۰) هزار کلمه است. قاموس (لتریه) فرانسوی حاوی (۲۱۰) کلمه. و قاموس « دال » روسی حاوی (۱۴۰) هزار کلمه. و قاموس « کارلوس آگوی » اسپانی دارای (۲۱۰) هزار کلمه. و قاموس « بتروشی » ایتالی دارای (۱۴۰) کلمه است. داکتر « زمنهوف » در (وارسا) پایتخت پولیند در اواخر قرن گذشته يك زبان مختلط که از مشهور ترین لغات مختلفه علم تالیف یافته است وضع نمود و نام آن را (اسپرانتور) گذارد. تاریخ نخستین کتابیکه به این زبان طبع شده به سال (۱۸۸۷) رجوع می کند. کشیش (ادورده فوسترادف ماریا) باشند و ولایت او هوئی دول متحده امریکا يك زبان مختلف مثل اسپرانتور وضع نمود و نام آن را « رو » نهاد و قواعد آن را در (۸) صفحه در سال (۱۹۰۰) نشر داد.

(شعر مشور)

احساس اندوه ناک

دنیا چرا این قدر عبوس است ؟
این آهنگ های يك نواخت مرغ حق چه میگوید !
فکر شوریده به آسودگی حیاتم خاتمه داده . ضربان قلبم سریع تر می شود . درین محفظه کوچک دل چه خبر است ؟
یاس ! تمام روزهای نورانی امید را مسدود نموده . تمام ساحت قلب سریع التارم را تاریکی فرا گرفته ، آرزو و آمل میرود درین تاریکی مدفون شود !
این خنده های شادی این قهقهه های مسرت آور چرا بر خلاف سابق انعکاس غم انگیزی می اندازد .

چقدر آرزو دارم ناله های خود را باضجه اندوه ناک آبخار ، باهمه شاخسار جنگل ، بافغان های دیوانه وار رودخانه ، بافریاد های حزین امواج دریا سربدم !
چقدر آرزو دارم . بافرزندان بدبخت طبیعت هم آواز شده و از دود آه های خود فضای این محیط را تاریک تر سازم . اما افسوس که برای انعکاس طنین های غمناکم این محیط خیلی کوچک است !
آه ! اگر میتوانستم فریاد های حزین رقت انگیز خود را بگوش طبیعت برسانم !
آه ! اگر میتوانستم فهمم زندگانی سراسر شقاوت و بدبختی است یا راحت و خوشی !

آه ! چه امان در خشنده ، چه مایه خویسای عجیب ، چه احساس اندوهناک ! میدانم کسانی که بایک لهجه راز امید ، زندگانی را يك مرحله سراسر سعادت میدانند ، در تمام هم خود يك ساعت هم بشکند چه روحی و عذاب وجدانی دچار نشده اند ؟
آیا گاهی نشده که خود را در بین امواج غضب آلود طبیعت در زیر فشار دست جنایت کار دهر ، در مقابل پر تکه مهیب و هولناک یاس ، ندیده و حس نکرده باشند ؟
این خنده های سرد . این قهقهه های بی روح از روی کدام حس و عاطفه و امیدی بلند میشود . اگر این ضاحکین بی ماطفه آن ساعت های پر از بحرمان و ناامیدی را که دهر برای استیصال شان گذاشته میدانستند !

و اگر پرده ضخیم مادی چشم بشر را نمپوشید ، اگر آرزو و آمل بشر که یگانه محافظ حیات او است قطع میشد گاهی آوازش بخنده های طولانی پراز امید بلند نمیشد !
اوه ، ای کسانی که دقیق حیات را با عسرت و شادی ، با خنده های پر از مسرت ، با قهقهه های پر از امید میگذرانید ، آیا میدانید این خنده های شما چه قلب های جریحه دار را ناک

می باشد این قهقهه های شما تا چه اندازه افکار متشنج را عبوس تر می سازد !

آیا میدانید این ارتعاش سیم های سازه شما را خشنود میکند ، در فضای یاس و ناامیدی چه طنین غمناکی می اندازد !
ای کسانی که ساعت های زندگانی را بایک بحرمان پراز ناامیدی میگذرانید ،

ای کسانی که در بین دریای عمیق و بی رحم طبیعت با امواج غضب آلود آن دست و گریبانید .

ای کسانی که در زیر ساطور خون آشام دهر در زیر دست های جنایتکار و بر خون کردن آخرین نفس حیات را می برآید ای کسانی که هزار گونه عذاب و عقاب زندگانی شما را تهدید میکند ،

ای کسانی که یاس تمام اعضای شما را فرا گرفته و امید برای همیشه از ساحت دل تان رخت بر بسته ، شما ، بسی شما میدانید معنی حقیقی حیات را . آری شما میدانید که مرگ بهتر از زندگانی پر از مرارت است !

ای آنیکه در زیر لحد سرد و تاریک خاک بجواب ابدی فرو رفته اید شما بختیارید .

ولی آیا ارواح شما از فوق این آسمان ها ، از ما و رای این افق خونین جنایات باز ماندگان تان را تماشا نمیکند ! ...

(م حسن)

قل از ستاره ایران

قطعه

گر بناموس کسی دست درازی بکنی
بهر ناموس تو دست دگری هست دراز
یقین باز نمایند در خانه تو
چوتو در خانه غیری بکنی در را باز
در طبیعت آری هست که خواهد بتو کرد
آنچه کردی بکسان گرین یا مجباز
عمل زشت ترا گر که نیستد کسان
دیده بانی است که چون دید نماید آوازه
عملی نیست که در جامعه بنهان ماند
عاقبت پیش همه خلق عیان گردد و از
اندر این مزرع دنیا و در این باغ عمل
آن شود سبز که خود کاشته از آغاز
اهل معنی نروند از بی صورت هر گر
که حقیقت بجهان هست نکوتر ز مجاز
بایدت کار نکو کرد بدینا صادق
که همان پیش تو آید به نشیب و به فراز
(صادق پرو جردی)

* سیاحت در جوف زمین *

(یا)

فن طبقات الارض

ترجمه آقای سلطان محمد خان افغان

۷

(گراوین) يك دختر بسیار خوشروى . و دلربای نيله چشم بود . طبعش متین ، تمکین زیاد را مالک بود ، لاکس ، يك بنده جان نثار خود بنده را دانسته ، خیلی دوست و عزیز میداشت ، هرگاه که نظرم بر دیوار می افتاد ، و تصویر منبرش را می دیدم ، برای يك لحظه از عالم ناسوت بیرون شده ، راه عالم مثال را پیش می گرفتم بنده بر طرف شبیه ممد خود ، به يك نگاه مشتاقانه می دیدم ، او هر روز همراه بنده عینیات معدنیه را - مسطر و مزین میکرد ، ما هر دو ، ورقات عنوانیه را ، روی هر يك می چسبانیدیم اینسه (گراوین) ماهره علم معدنیات بود ، و از محققین این فن جیبری بیشتر میدانست ، چونکه اینسه گراوین ، برای دریافت دقیق ترین مسائل علم کیمیا اشتیاق بسیار و رغبت تمام داشت ساعت ما به يك اسلوب انیق می گذشت

در هنگام فرصت ما هر دو برای تفریح بیرون میرفتیم ، و در زیر سایه درختان بحیره (الستر) تماشا میکردیم ، یا خرامان خرامان جانب (آسیای بادی) میرآمدیم دست يکدی بگر را گرفته ، هوا خوری میکردیم ، بنده برای گراوین ، افسانه های راطیفی بیان میکردم ، گراوین آنها را شنفته ، قهقهه زده خنده میکرد ، همچنین تالبدریای (الپ) میرفتیم و تماشای فونها را کرده محظوظ میگشتیم ، و باز برجهاز سوار شده در بندرگاه پائین میشدیم بنده در عالم مثال به دریا رسیده بودم ، که آواز شدید ضرب میز که عموم بدست کوفته بود بگوشم رسید

این طرف بهین ! خیال پس و پیش کردن حروف ، اگر ، در سرکسی میتوان پیدا شد ، اینست ، که بجای متوازی نوشتن عمودی باید نوشت بنده - پیشک

استاد - (اینگزال) ! بیا که حالا همین طور عمل کنیم . برین کاغذ يك فقره بنویس ، لاکن ، حرفهارا یکی بر سر دیگری عمودی بنویس هم چنین پنج ، شش ، سطر عمودی بساز بنده بر مطلب عموی خود رسیدم ، و حرفهارا نوشتم ، بقیه آنکه قرائت کنند ، گفتند :

« خیلی خوب است ، حالا سطر هارا متوازی بنویس ، بنده این را نیز بجا آوردم ، عموم کاغذ را از دستم کش کرده گرفتند ، و گفتند :

این بسیار خوب است ، معلوم میشود که این برزخ قدیم است حرفهای صحیح ، و حرفهای علت ، مربوط و منتظم است ، بلکه ، در میان بعضی ، حرفهای کلان نیز موجود است . وقف هم دارد بطوریکه ، در نسخه (سک نیم) مندرج است من اینطور حرفهارا ، از زبان کا کای خود شفقت بسیار مسرور شدم ، کا کایم بطرف بنده نگاه کردند و گفتند :

برای خواندن فقره تو ، باید که من اولاً ، حرف اول هر لفظ را بگیرم ، بعد از آن دوم را ، و سوم را ، هم چنین تا آخر بعد ازین ، حرفهارا که بر کاغذ نوشته بود ، عموم به يك حیرت خواندند ، آنچه نوشته بودم این بود

جانم گراوین ! بنده بعد جان و دل ، فدای شما هستم این جمله را عموم خوانده عموم بانک زد که آه سبحان الله ! بنده نمیدانستم که بر کاغذ چه نوشته کرده ام ، لاکن این جمله را نوشته سری که در دل داشتم ، آشکا را کردم ، استاد مانند يك مربی و سر برستی که خیلی مهربان باشد گفتند : سبحان الله ! تو بدل و جان ، عاشق و شیدای گراوین هستی؟! بنده (ستاه شده) بی - نه خیر !

استاد - تو فدای گراوین شدی ، بیا که حالا هم چنین حرفهای این تکه چرمی را بخوانیم عموم جمله مرا فراموش کردند ، و بر سودای خود منهنمک گشتند زیرا که در دل هم چنین يك عالم بسیار کلانی برای حرفهای الف و محبت جای خالی نبود ، بنده شکر خدا را بجا آوردم ، که این تکه چرمی ، مرا از دست عموم رها کرد .

چون وقت خواندن حرفها رسید ، عموم از قرط سروری که محسوس میکردند به خود گشتند ، چشمانشان درخشان گشت چون ، تکه چرمی را برداشتند دست شان لوزیدن گرفت ، لهجه شان مبدل گشت ، آهسته آهسته ، میخواندند ، و برین مینوشتند مگر ، بنده بر مطلبش نرسیدم ، ازین جهت ، بروی عموم نگاه کردم که مطلب این حرفهای طلسمی را بمن نشان بدهند ، لاکن ، ایشان يك مشت پرزور ، سر میز حواله کردند که اشیاء بالای میز تیت شد ، مرکب از دوات ریخت ، قلم از دستم بریده روی فرش افتاد ، بعد از آن غضبناک گشته گفتند :

مطلبش به حل شدن قیادید !

بعد ازین مانند تیر از اطاسی برآمدند ، و بر يك حالت پریشان و پر اضطراب ، از زینته پائین شده سوی بازار ، روان شدند .

(ناعام)